



گفت‌وگو با طعم املت دونفره درباره تلاش کردن

کاشت جای خالی برداشت!

حسین شکیب‌راد

سردبیر
نوجوانه



ما چرا از روز نوجوان یعنی هشتم آبان در فرهنگسرای رازی شروع شد. با حدود ۴۰ نفر دختر و پسر بین ۱۲ تا ۲۰ سال گپ‌وگفتی داشتیم درباره دوران نوجوانی. قرار بود هرکس دیدگاه خودش و تعریف خودش را از این دوره بگوید. حسین حق پناه و به نوعی من تسهیلگر این گفت‌وگو محسوب می‌شدیم. حرف‌های خوبی هم زده شد و برای ما

که همیشه کشف دنیای نوجوان‌ها اهمیت دارد، تجربه خوبی بود. وقتی صحبت از دغدغه‌های اصلی نوجوانان در این دوره به میان می‌آید یکی از پرتکرارترین موضوعات شد پول و درآمد؛ اما نکته جالبش برای من این بود که هرکار کوچک و بعضاً غیرمنطقی خودشان را جزو تلاش هایشان برای به دست آوردن پول مطرح می‌کردند. حتی این‌که به بهانه بازی همستر، ساعت‌ها انگشت‌شان را روی صفحه موبایل فشار دهند، تلاش می‌دانستند. این بود که با حسین حق پناه قرار یک املت دونفره گذاشتیم تا در مورد این‌که تلاش در نگاه نسل جدید چه معنایی دارد و چه چیزی این وسط نسبت به گذشته تغییر کرده است، حرف بزنیم. این هم نتیجه‌اش که می‌توانید بخوانید.

نشده ایم. چون یک زمانی برای این‌که مثلاً نتیجه عکسی که گرفته ایم را ببینیم؛ باید صبر می‌کردیم تمام فریم‌های عکس استفاده شود بعد ببریم در تاریکخانه و ظاهرش کنیم و تازه ممکن بود بفهمیم چقدر مثلاً لبخندمان بد بوده یا چشم‌مان حالت خوبی نداشته است.

من: درحالی‌که نوجوان امروز با همان گوشی داخل دستش روزی هزارتا عکس می‌گیرد و در لحظه نتیجه‌اش را می‌بیند و اگر خوب نبود دوباره انجام می‌دهد تا به عکس مطلوبش برسد و اگر عکسی را دوست نداشت ته هزینه‌اش این است که آن را پاک کند.

(داخل پراتنر بگویم تازه املت‌مان رسید و ما مشغول خوردن شدیم. حیف که نمی‌توانم تعارف‌تان کنم ولی یک عکس از این وضعیت برایتان می‌گذارم تا با ما در این تجربه شریک شوید)

حسین: در واقع فرآیند ماجرای این‌که یک نوجوان مثلاً از خودش یک عکس در فضای مجازی منتشر می‌کند و در لحظه باکلی بازخورد خوب مواجه می‌شود، به شکلی است که آن قدر دوپایمن در مغزش ترشح می‌شود و هیجان بالایی را تجربه می‌کند که کم‌کم به آن عادت می‌کند و وابسته می‌شود.

من: شاید برای همین است که حتی وقتی مثلاً رفته لب دریا یا داخل جنگل و هر فضای جذاب دیگری مثل کافه، به جای این‌که از خود شرایط موجود لذت ببرد؛ همه تلاشش را می‌کند که فیلم و عکس با دیگران به اشتراک بگذارد و از لذت عمیقی خودش را محروم می‌کند برای به دست آوردن لذتی که به آن عادت کرده اما سؤال من این است که این نیاز واقعی در نسل جدید وجود داشته و مثلاً صاحبان بسترهای مجازی از آن به نفع خودشان استفاده کرده‌اند یا نه وجود این بسترها باعث شده نوجوان بخواهد لذت آنی را تجربه کند و به آن عادت کرده است؟

حسین: فضای مجازی یک مبنای مهم دارد و آن هم سود کردن است.

من: شاید همین باعث شده وقتی با نوجوان‌ها درباره این صحبت می‌کنیم که برای رسیدن به هدفشان یک برنامه‌ریزی طولانی مدت داشته باشند پس می‌زنند. یعنی برایشان سخت است که کلی اقدامات مختلف قطار کنیم و تازه به آنها بگوییم این قدم‌های اول توست برای رسیدن به هدفی که پیش رویت داری. چون بارها در بازی و فضای مجازی و به قول تو دنیای دیجیتال، این را تجربه کرده که قدم اولش همان قدم آخرش بوده و خیلی سریع نتیجه کارش را گرفته است.

حسین: مخاطب این متن هم چون خود نوجوان‌ها هستند باید به آنها یادآوری کنیم خودشان را با نوجوان دیگری مقایسه کنند که با پدرش می‌رفت سر زمین کشاورزی. پاییز مثلاً وقت کاشت بوده و می‌رفتند زمین را شخم می‌زدند و بذرها را می‌کاشتند. حالا کی قرار بوده محصول را برداشت کنند؟ بهار یا تابستان سال بعد. خب این وسط یک مرحله مهم و طولانی وجود داشته است به نام «داشت».

یعنی رسیدگی به زمین تا به ثمر نشستن زحمت‌شان. من: جالب اینجاست که گاهی حتی هیچ کار خاصی هم نباید انجام بدهند و فقط باید ساعت‌ها بنشینند کنار زمین توی گرما و سرما، منتظر باریدن باران یا مراقبت از زمین که حیوانات و پرنده‌ها آسیبی به محصول‌شان نزنند.

حسین: این صوری کردن کار خیلی سختی است. یعنی اصلاً قرار نبوده نوجوان کشاورز ما، خیلی زود به نتیجه زحماتش برسد. چه بسا بعد از یک سال زحمت، نتیجه مورد نظرش را هم نگیرد. ولی در طول مدت شش ماه که مرحله «داشت» است؛ این نوجوان داشته کارهای روتین، روزمره، تکراری و خسته‌کننده انجام می‌داده. حالا برگردیم به مدل زیست نسل جدید که البته ما نسل‌های قبلی را هم درگیر خودش کرده است و اصلاً مرحله «داشت» در آن معنایی ندارد. البته ما قبلاً چون تجربه صوری کردن را داشته‌ایم خیلی غرق این فضا

حسین: موضوع تلاش که طبیعتاً با خودش هدف و برنامه‌ریزی و امثال این موضوعات را هم به همراه دارد، برای خود من جایی جدی می‌شود که در ادبیات نسل جدید روان‌شناسان از یک عبارت خاص استفاده می‌کنند به اسم «Instant gratification» یا همان لذت آنی. و در این مورد می‌گویند که بسترهای جدیدی که به خصوص در فضای مجازی ایجاد شده است و امروزه نسل نوجوان ما هم بخش عمده‌ای از زندگی‌اش را در آنها می‌گذرانند، این لذت آنی را دودستی تقدیم مخاطبانش می‌کند. کافی است به اتفاقات روزمره‌مان در شبکه‌های اجتماعی نگاه کنیم. وقتی که مثلاً با قرارداد یک پست جدید، منتظر دریافت لایک و ابراز نظر دیگران هستیم و هر بار یک نفر به دنبال‌کننده‌هایمان اضافه می‌شود ته دل‌مان غنچ می‌رود و شاد می‌شویم. این کار نتیجه‌اش این است که فرد کم‌کم دارد عادت می‌کند نتیجه کارش را خیلی زود بگیرد. چون فاصله اقدام ما در صفحات مجازی، غالباً با پاسخ‌ها یا همان جایزه‌هایی که منتظرش هستیم خیلی خیلی کم است. اساساً زیست دیجیتال همین مدلی است. حتی در بازی‌های رایانه‌ای و کنسولی هم همین اتفاق می‌افتد و حتی اگر هم بازی را اشتباه انجام دهد خیلی زود برمی‌گردد به حالت اول و فرصت دارد دوباره از نو بازی کند و تقریباً جای هیچ نگرانی نیست. من: انگار برای دیده شدن کارمان عجله داریم. اصلاً این اتفاقات سریع‌السیری که مثلاً در مورد پربازدید شدن یک فیلم در فضای مجازی می‌افتد و ما به اصطلاح می‌گوییم «ترند» یا «وایرال» می‌شود، همین اتفاق تشنگی را در فرد ایجاد می‌کند و این یعنی مخاطب این فضا که خب بین نوجوان‌ها هم بیشتر است، لذت آنی و پاسخ سریع برایش اهمیت پیدا می‌کند.

حسین: دقیقاً. این ابزارها دارند ذهن نوجوان را که در حال شکل‌گیری است؛ یک مدل دیگر بار می‌آورد.